

ویژه نامه انتخابات



سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر

پیکار

شبه ۴ اسفند

کارگران! زحمتکشان! هموطنان مبارز و نیروهای انقلابی و مترقی! برای تقویت هرچه بیشتر صف نیروهای خلق از کاندیداهای ماپشتیبانی کنید!

کارگران و زحمتکشان! هموطنان مبارز!

مردم و بریدن انقلاب فروریزند. آری، زندگینامه این رفقا خود به تنهایی میتوانند بسیاری حقایق را روشن نماید. می توانند نشانگر ما هیت بسیاری از کمپانی ها شده که بر مروج مبارزات مردم سوار شدند و سراجا هم کثیف ترین خیانت ها و ضربات را بر همین انقلاب زدند. آیا می توان گفت این ضربات و خیانت های بعد از قیام ارتباطی با آن خانه نشینی ها، "مهاجرت" ها، خانه نشینی ها و خیانت های گذشته آنان نداشته است؟ خیر. اینها دقیقا دو روی یک سکه هستند. انقلاب را فقط انقلابیون راستین می توان نندرهایی کنند. این قانون بی چون و چرای انقلاب است. هر زمان که سرنوشته و رهبری انقلاب بدست بازرگان ها، بزدی ها، قطب زاده ها، چمران ها، بنی صدر ها، صاغیان ها و لیست طول و درازی از کسانی که یک عمر با بخت و دولت تن دادند و با فرار به راه را بزرگوارتر حیح دادند و به مبارزه مردم پشت نمودند، آنوقت نتایجش همین می شود که در این یکسال شاهد بودیم. بی جهت و تصادفی هم نبود و نیست در حالیکه تنها یکسال از قیام عظیم و شکوهمند خلقهای قهرمانان ما می گذرد. مردم ما احساس می کنند که کلاه بزرگی بر سرشان رفته و غیر از افراد بسیار معدودی که در این سیستم به اعتبار گذشته آنها، به این سیستم حیثیت می دهند، اکثریت نزدیک به اتفاق آنها مشتاقی جامی امپریالیسم و لیبرال مرتجع و شیاد، کاسبارسیاسی هستند. ولی خلقی که قیام را از سر گذراند، انقلابیون بی که در بدترین شرایط دیکتاتوری مبارزه نمودند. محال است به بورژواهای نورسیده و فرصت طلب و خائنینی که انقلاب را به بین بست کشانند و محال دهند که به راحتی بتوانند برگرداند. مردم حکومت کنند. آنها دیرباز از این فرصت طلبان و مرتجعین توریسیده را به جایگاه تاریخی خویش خواهند فرستاد. کما اینکه تا همین امروز نیز به مدافعا گریها و فعالیت های انقلابی انقلابیون و بخصوص کمونیستها، پخته بسیاری از این شیادان بیرونی آب افتاده است. و خواهم دید که چگونه بنحیه نیز یکی بعد از دیگری تکلیفشان روشن می شود!

اینک با این توضیح به معرفی کاندیداهای خود میپردازیم. و از آنکلیه کارگران و زحمتکشان و هموطنان مبارز و از کلیه نیروهای انقلابی و مترقی میخواهیم که برای تقویت هرچه بیشتر صف نیروهای خلق از کاندیداهای سازمان ما پشتیبانی کنند.

که کسانی که امروز خود را "انقلابی" و "حامی مستضعفین" معرفی می کنند در گذشته و در زمان شاه چه می کردند؟ آیا طرفدار قانون اساسی بوده اند؟ آیا خارج نشین و فرصت طلب بوده اند؟ آیا فقط به خواندن نماز جماعت در مساجد و آهسته رفتن و آمدن مشغول بوده اند؟ و یا برعکس در گذشته با تمام وجود و فداکاری علیه نظام سلطنتی، علیه امپریالیسم و علیه استکبار روستم طبقه پیکار کرده اند؟ آری کاندیدی که شما انتخاب می کنید بایستی مبارز و انقلابی پیگیر در زمان شاه، و همواره وفادار به زحمتکشان باشد. برای این اساس است که ما کاندیداهای خود را بشما معرفی می کنیم. ما سوابق مبارزاتی آنها و رنجها و مآثراتی را که آنان در طی سالهای دراز در مبارزه علیه رژیم شاه و امپریالیسم متصل گشته اند برایتان بازگو می کنیم. نه برای کاسبارکی و سوداگری، نه برای منت گذاشتن بر کسی، نه! برای اینکه به شما نشان دهیم که چه کسی در راه

کاندیداهای زحمتکشان بایستی مبارز و انقلابی در زمان شاه و همواره وفادار به آنها باشند

مبارزه علیه امپریالیسم و رژیم شاه و بیخاطرهای کسی کارگران از قید استکبار و مدافعان و فداکاران حاضر بودند تا پای جان پیش روند. و چه کسانی در همین سالها ما ندیدیم در سوراخهایشان خزیده بودند. آری لازم است و بسیار لازم است که زندگی نامهای این چنین رفقا را در دهها بار رودهها با ربه شما نشان دهیم تا فرصت طلبان و میوه چینیان خائنین بخلق، بورژواهای حریص و در کمین و کسانیکه مثل موش در این سالها در سوراخهایشان خزیده بودند، افتاء و رسوا شوند. آنها به سوراخهایشان خزیده بودند تا در فرصت مناسب برگردند و خلق و موج مبارزات آنها سوار شوند و هر سازشکاری و خیانت خودشان را بر حرکت

اینک در آستانه انتخابات مجلس شورای ملی قرار گرفته ایم. انتخاباتی که برای زحمتکشان یک معنا و برای سرمایه داران و زمین داران بزرگ و زلوفت و برای تجار و ثروتمندان معنای دیگری دارد. کارگران و دیگر رنجبران در این انتخابات شرکت می کنند تا بلکه به برخی از خواسته های خود در زمینه استقلال، رفاه و آزادی برسند. آنان نماینده خود را برای این اساس که تا چه حد برای آنها دلسوز است تا چه حد دردها و رنجهای آنان را درک می کند، انتخاب می کنند. اما سرمایه داران چگونه؟ زمین داران چگونه؟ و تجار و ثروتمندان چگونه به انتخابات می نگرند؟ آنها به استکبار بیشتر، غارت بیشتر و بهره کشی بیشتر فکر می کنند. و نمایندگان خود را نیز بر همین اساس انتخاب می کنند. آنها کسانی را به نمایندگی انتخاب می کنند که سود و قدرت بیشتر را برای آنها تضمین کند. آنها دنبال کسانی می روند که "نظم" و "امنیت" مورد نظر آنها را برقرار سازد. نظم و امنیت که بیجا نباشد و فقط به سود سرمایه داران و تجارت ما می شود. نه بفرصت زحمتکشان. اما آیا نمایندگان سرمایه داران و زمین داران در کوچه و بازار فریاد می زنند که ما برای خدمت به سرمایه داران و برای تضمین بیشتر تجارت و استثمارگران به مجلس می رویم؟ آیا آنها به زحمتکشان می گویند که ما برای پایمال کردن حقوق شما به مجلس می رویم؟ هرگز! آنها اینقدر احمق نیستند. آنها خوب می دانند که اکثریت مردم ما صهر کارگران و زحمتکشان تشکیل می دهند. بنا بر این به رای آنها نیاز دارند. پس با حرف های خوش آب و رنگ و با حیل و نیبرنگ آنان را می فریبند، آنها خود را بقول خودشان حامی "مستضعفین" معرفی میکنند. در حالیکه یا خود کارخانه داران و زمین دار هستند و یا خدمتگزاران نماینده آنها. آنها بخصوص دم از اسلام می زنند تا از احساسات مردم سوء استفاده کنند. در حالیکه زحمتکشان خود در همین یکسال اخیر شاهد بودند که چه چهره های مقدس ما به کسب می آنها بر همه معلوم نگردید. بنا بر این کارگران و زحمتکشان! شما که در همین یکسال گذشته شاهد کردار و عمل بسیاری از خرافان و ویرگوهای نیبرنگ با زار خائنین لیبرال گرفته تا خرده بورژواهای مرفه بوده اید هرگز نباید بصرف حرف بیط هر خوب به کسی اعتماد دکیند. در این میان یکی از معنیهای شما بایستی سوابق کاندیداهای در دوران شاه باشد. لازم است همه بدانند

مرگ بر امپریالیسم آمریکا، دشمن اصلی خلقهای ایران



۱- رفیق علیرضا سپاسی آشتیانی

رفیق در سال ۱۳۲۳ در آشتیان در خانواده‌ای متوسط متولد شد. سنین کودکی و نوجوانی را در همانجا گذراند و در سن ۱۵ سالگی به تهران آمد. در رابطه با جوسپاسی مذهبی خانواده اش سرعت وارد مسائل سیاسی شده و نسبت به مبارزات سیاسی و ضد رژیم سی عشق و شور فراوانی نشان می‌دهد. در سالهای ۴۲ - ۳۹ که مبارزات توده‌ها علیه میرزا لیسور رژیم ارتجاعی شاه شد و اوج نوینی یافته بود، دوران آشتیانی است که به نام امورا اجتماعی و سیاسی جامعه بیشتر آشنای شده و به این مبارزات کشیده می‌شود. این مبارزات توده‌ای که در آن موقع عمدتاً حول شرکت درس خرائی ها و محافل سیاسی مذهبی و شرکت در تظاهرات خیابانی و میتینگ ها دور میزد، رفیق را که در آن موقع فردی مذهبی بود بر آن داشت که در جستجوی برداشتهای مبارزه جویانه از مذهب رفته و از این پس تبدیل به یک مذهبی متعهد و سیاسی شود. در همین دوره است که او به اختلافات فاحش طبقاتی جامعه و نکیست و بدبختی میلیونها توده زحمتکش تحت ستم جامعه و فقر و بی چیز آشنای و همپنلوور چهره کریه رژیم تبه کار و غارتگر شاه پی برده و این مسئله نقش بارزی در شکل گیری روحیه و طرز تفکر ضد طبقاتی و ضد استعماری او بجای می گذارد. او در او خراین دوره هدف اصلی زندگی خویش را با زیا فته و به مبارزه انقلابی بسا رژیم شاه بعنوان یک تعهد انقلابی و مذهبی و بعنوان ابر مقدس فکر میکند. او به دانشگاه فکرمی کند و به مبارزات آن. او قبل از ورود به دانشگاه و در بدو آن قبل از آنکه بخود دانشگاه فکرمیابد، به مبارزات پرشوری که در آن جریان دارد فکرمی کند. شور و شوق مبارزات دانشجویان در آن زمان رفیق را هما تند بسیاری از هموطنان مبارزان که دانشگاه و دانشجویان انقلابی را سنگر شکستنا پذیر مبارزات خلق می دانستند، بستایش و امید داشت و آرزو میکرد که بتواند خود در این سنگر قرار بگیرد و گرفت. رفیق پس از قبول شدن در رشته معماری دانشگاه هنرهای زیبای دانشگاه تهران، امکان مناسبی برای مبارزه بدست آورد و در سال ۵۰ هنگامیکه در سال ششم

معماری بود، زندگی مخفی را آغاز نمود. با سرکوب قیام ۱۵ خرداد یکبار دیگر مبارزات پر خروش خلق سرکوب شد. امپریالیسم را دیگر چنگ و دندان نشان داد و رژیم و وابسته‌ها دوباره حاکمیت مطلق خویش را باز یافت. و چکه پوشان شاه بر مردم مسلط گردیدند. حالت شکست و ناامیدی بر چهره توده‌ها ظاهر گشت. رفیق در دوره بعد از قیام ۱۵ خرداد که خود فعالانه در آن شرکت داشت هم مانند بسیاری به نا کافی بودن مبارزات غیر مسلحانه پی برده ولی در مقابلش راه حلی را ندیده و نمی‌دانده با بدبختی داشت. تشکیلات و مبارزات مخفی و مسلح اولین چیزها سی بود که ذهن بسیاری از روشنفکران و جوانان انقلابی ما را در آن زمان مشغول می نمود و رفیق ما هم از جمله اینها بود. بهمین جهت زمانی که یک جریان مذهبی (حزب ملل اسلامی) در این زمان با هدف سرنگونی قهرآ میز رژیم شاه بوجود آمده بود و به پیشنهاد همکاری و عضویت میدهد، او گویا گمشده خویش را در زمینه چگونگی مبارزه یافته و با عشق و شور فراوان به این گروه می پیوندد. مدت زیادی نمی گذرد که این گروه هم مانند بسیاری از گروههای آن زمان بدلیل ضعف و نبود تجربه سیاسی و نداشتن تفکر و اسلوب علمی مبارزه، به توریلیس افتاده و تمام اعضای آن دستگیری شونده و رفیق ما هم در آن زمانه سال ۴۴ دستگیر و در دادگاه به دو سال زندان محکوم می شود. زندان فرصت مناسبی برای آشنائی بسا مسائل سیاسی و مبارزاتی برای او فراهم میکند.

رفیق در سال ۴۶ با عزمی راسخ ترا گذشته در مبارزه علیه رژیم شاه از زندان آزاد می‌شود. بلافاصله بعد از آزادی علیرغم اینکه مستقیم و غیر مستقیم از طرف ساواک تحت نظر قرار می‌گرفت، رفیق با استفاده از تجربیات گذشته در زمینه مخفی کاری، به اتفاق دو نفر از همزمان سا بقش، گروهی مذهبی بنام "حزب الله" را پی ریزی می نماید. این گروه بعد از در نیمه دوم سال ۵۰ به سازمان مجاهدین خلق ایران می پیوندد. و زندگی مخفی رفیق از همین زمان آغاز می شود. در درون سازمان مجاهدین خلق رفیق از جمله رزمندگان پر شور و فعال بود، از عملیات نظامی مهم رفیق در این دوره شرکت در یک خلق سلاح ناموفق و سپس فرار از چنگ پلیس و دیگری اعدام انقلابی سرتیپ سعید طاهری افسر جنا پتکار رژیم شاه بود که به اتفاق شهید محمد مفیدی انجام دادند. این عملیات که در آن یکی از منفورترین افسران جنایت کار رژیم شاه که دستش بخون مدها نرا ز هموطنان ما آغشته بود و نقش فعالی در سرکوب قیام ۱۵ خرداد داشت، مورد استقبال وسیع توده‌های خلق ما قرار گرفت. رفیق بدلیل حساسیتی که بخصوص بخاطر شرکت در این اعدام انقلابی نسبت به او داشتند، به شدت خائنه‌هاش مورد تعقیب پلیس ساواک قرار گرفته بود.

رفیق در سال ۵۲ در رابطه با مسئولیت‌های تشکیلاتی بطور مخفی به خارج کشور رفت و در اینجا بود که در مرز افغانستان دستگیر و بدست یکمانه زندانی گردید و سپس موفق گردید پس از فرار از چنگ ما مورین دولت دادگان از این کشور مخفیانه خارج گردد. رفیق در طی سالهای که در خارج کشور بود از نزدیک در لبنان و عمان شاهد مبارزات عادلانه خلقهای فلسطین و عمان بود. و جای حقیقی خود را در خارج کشور نه در کناره فرصت طلبان و دلالان سیاسی بلکه در راه مبارزه با فاعلیتهای تدارکاتی سیاسی و تبلیغی سازمان در کناره این خلقها و توده‌های انقلابی دانشجویان ایرانی می یافت.

در شهریور ماه ۵۶، همزمان با وجگیری مبارزات توده‌ها و مبارزه ایدئولوژیک در درون سازمان رفیق مخفیانه و از مرز ترکیه وارد ایران گردید. و از این پس رفیق در هدا بیت و گسترش مبارزه ایدئولوژیک مبارزه با سیاستها و نظرات وافکارنا درست در درون سازمان (علیه رهبری سابق و انحرافات آن و همچنین انتقادات مشی چریکی (مبارزه مسلحانه جدا از توده) نقش فعال و تعیین کننده‌ای بسازی کرد و سهم مهمی در تغییر و تحولات نوین سازمان و زودن آثار و عواقب انحرافات گذشته بسازی نمود. در جریان پیشرفت مبارزه علیه نظرات گذشته و هنگامیکه بسیاری از عملکردهای ناصحیح گذشته افشاء و طرد گردید و رهبری سابق از سازمان اخراج شد و زمانیکه سازمان از یکسال و نیم قبل در درون بخش منشعب شروع کرده بود و اعلام موجودیت کرد. رفیق در کناره دیگر رفقای پیش بقا لیت مبارزاتی خود در درون سازمان پیکار ادامه داد.

★ ★ ★

کار برای کارگران، زمین برای دهقانان

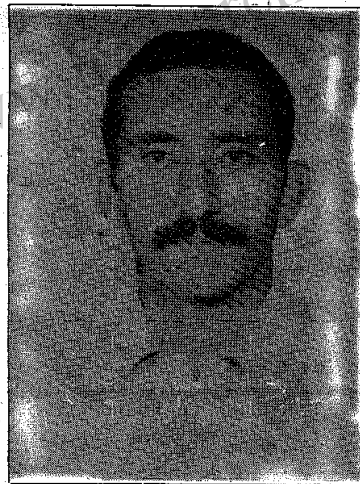


۲- رفیق مهری حیدرزاده

رفیق مهری حیدرزاده در ۱۶ فروردین ماه ۱۳۳۲ در تهران و در یک خانواده نسبتاً مرفه متولد شد. دوران دبیرستان با مطالعه کتب بهای سودمند و با درجریان قرار گرفتن اخبار مربوط به شکنجه انقلابیون در زندان و ... ذهن او متوجه مسائل سیاسی گردید. هنگامیکه رفیق در سال ۵۲ در رشته ریاضت - شیمی دانشکده علوم دانشگاه تهران قبول و وارد دانشگاه گردید اما مکانات بیشتری برای دنبال کردن مسائل سیاسی و شناخت بیشتر از اوضاع و احوال جامعه برای این فرا نگشت. در همین زمان بود که او با رفیقی از یک محفل مارکسیستی - لنینیستی آشنا شد و به سرعت توانست با مطالعه کتب بهای سیاسی - انقلابی و آشنائی با دردها ورنجهای زحمتکشان، شناخت لازم را برای شروع مبارزه جدی علیه رژیم شاه و امیر - بالیسر پیدا نماید. در سال ۵۴ محفلی که رفیق در آن فعالیت داشت توانست با بخش منشعب از سازمان مجاهدین خلق تماس برقرار نماید. از این پس رفیق زندگی علنی را زها کرد و به همراه رفیق همسرش و دیگر رفقای محفل در سازمان عضویت پیدا کرد. در ابتدا او بمدت کوتاهی در درون شاخه نظامی در کنار رفیق شهید منیژه افتخاری فعالیت میکرد، سپس در بخش کارگری سازمان مشغول فعالیت گردید، گرچه در آن زمان بدلیل حاکمیت مشی نادرست، رفقا از فعالیت خود در درون طبقه کارگر، بازده زیادی نمی توانستند داشته باشند، ولی رفیق با جدیت تمام مسئولیت های محوله را در این رابطه میپذیرفت و به پیشبرد خط سازمان در این رابطه کمک می نمود. در این دوره رفیق ابتدا تحت مسئولیت رفیق شهید جمال شریفزاده شیرازی و پس از شهادت رفیق جمال در یک جمع دیگر کارگری فعالیت می نمود.

پیش برد، همچنین بعدها رفیق در کارخانه کفش وین نیز مدتی کار کرد. این سه کارخانه از جمله موسساتی بودند که در آن سرمایه داران حداکثر استفاده را از نیروی کار زنان می نمودند و با توجه به همین ویژگی کارخانه، رفیق امکان یافت که هرچه بیشتر با مسائل و دردها ورنجهای زنان کارگر در کارخانه آشنا گردد. و حقیقت ستم دگانه ای را که در جوامع طبقاتی نسبت به زنان اعمال می گردد، بطور عینی و در محیط کارخانه لمس نماید. این دوره برای رفیق درسهای زیادی به همراه دارد. و بر اساس همین درسهاست که او امروز یکی از اعضای فعال سازمان در زمینه کار سیاسی - تشکیلاتی در بین زنان میباشد. رفیق مهری حیدرزاده در جریان مبارزه یادشود - لوزیک درون سازمان و تصحیح مشی سیاسی یکی از اعضای فعال سازمان بود و با مطالعه و کار ژئوریک جدی از یک طرف و استفاده از تجارب کار در میان کارگران توانست در دردمشی چریکی و رسیدن به منشی انقلابی - توده ای و اینکه با مبارزه مسلحانه عده ای جوان انقلابی و فداکار بلکه با جنگ و قیام مسلحانه توده ای است که میتوان رژیم وابسته شاه را نابود ساخت، نقش داشته باشد.

رفیق پس از طی مبارزه یادشود لوزیک درونی و اعلام موجودیت سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر، به مبارزه بیکباره خود در راه آزادی تمامی خلقهای ایران از قید سلطه امپریالیسم و حاکمیت ارتجاع و آزادی طبقه کارگر از قید استثمار ادا شده است.



۳- رفیق مرتضی (حسین) آلاپوش

تسیری از هموطنان ما با زندگی مبارزاتی این پیکارجوی انقلابی آشنائی دارند. زندگی سرشار از مبارزه سرسختانه او با رژیم جنایتکار شاه و تجاربی که از این رهگذر بدست آورده، او را بعنوان یک انقلابی صریح، متواضع و وفادار به آرمان طبقه کارگروها زحمتکشان در آورده است.

رفیق مرتضی آلاپوش در سال ۱۳۲۴ در یک خانواده متوسط متولد شد. از سالهای ۲۲- ۳۰ و همزمان با نهضت ملی شدن نفت در خانواده او یک جو سیاسی ضد سلطنتی حکمفرما بود و در همان خانواده بود که کم و بیش با مبارزات خلق آشنائی یافت. در سالهای ۴۲- ۴۹ که در دبیرستان علوی تهران درس می خواند به طور فعال در جریان مبارزات توده ها شرکت داشت. او در تجربه خویش به پوچی شعارهای اصلاح طلبانه و امیدهای واهی ای که برخی از اقشار متوسط جامعه به مبارزات و احزاب آنروز بسته بودند پی برد و مطالبات و جستجوی خود را برای یافتن راه درست مبارزه ادا نمود. در سال ۱۳۴۳ در رشته طراحی دانشکده هنرهای زیبا قبول و وارد دانشگاه شد. ولی او بهیچ وجه نمی توانست درس خواندن در چنان شرایطی را هدف خود قرار دهد و در جستجوی راه انقلاب پس از آشنائی با سازمان مجاهدین خلق ایران در سال ۱۳۴۸ به عضویت این سازمان درآمد. سپس از گذراندن آموزشهای اولیه بصورت یکی از کارهای فعال این سازمان به مبارزه خود ادا شده داد. دو سال و نیم از فعالیت تشکیلاتی وی میگذشت که دریا نیز سال ۱۳۵۰ دستگیر شد و در بیدارگاهای رژیم شاه به مدت سال زندان محکوم گردید. رفیق در زندان نیز از مبارزه و جستجوی هرچه بیشتر راههای بنیادی مشکلات جامعه دست برنداشت و در سال ۱۳۵۲ در زندان مارکسیسم - لنینیسم، این تنها ایدئولوژی رها شدی بخش طبقه کارگر را پذیرا شد. هنگامی که رفیق در زندان بود رژیم شاه خان ۴ تن از اعضای خانواده وی را به شهادت رسانید (دو تن از آنها ویک خوار و همسر برادر) پس از ۶/۵ سال زندان در اوایل سال ۵۶ از زندان آزاد شد و در سال ۵۷ به سازمان پیکار پیوست و به مبارزه خود برای آزادی کامل خلقها از قید امپریالیسم و حاکمیت داخلی آنها و رها شدن طبقه کارگر از قید استثمار ادا شده است.

پیام رادیویی
رفیق مرتضی (حسین) آلاپوش
در جریان انتخابات
مجلس خیرگان

کارگران، زحمتکشان و خلقهای قهرمان ایران! ... با توجه به اینکه دولت حاکم یک دولت سرمایه دار است و نمیتواند حامی و حافظ منافع زحمتکشان باشد از روی مجلس خیرگان که توسط این دولت تشکیل میشود نمی تواند منافع مردم زحمتکشان را تامین کند. با توجه به این مسئله ما در این انتخابات شرکت نکرده ایم تا در مورد این ماده پیش نویس قانون اساسی بحث نکنیم، بلکه نظرمون این است که برنامه خود را برای مردم زحمتکشان میهنمان توضیح دهیم: ما خواهان چه جامعه ای هستیم؟ بطور خیلی ساده ما خواهان جامعه ای هستیم که در آن برابری کامل باشد. پولدار و فقیر وجود نداشته باشد. اینطور نباشد که یک عده مثل کارگران و دهقانان کار کنند، زحمت بکشند و جان بکنند و یک عده

۴۰ ساعت کار در هفته برای کارگران

دیگر مثل سرمایه‌داران بدون اینکه به خودشان رحمی دهند از حاصل کار زحمتکشان استفاده کنند. یعنی ما مخالف استثمار هستیم. ما میخواهیم مکن، رفاه، فرهنگ، بهداشت، تفریح و خلاصه همه چیز متعلق به همه باشد.

ما میخواهیم دزدی و فساد و فحشاء از بین برود. ممکن است بگویند که همه کن‌هین حرفها را میگویند، پس فرق شما با آنها چیست؟ جواب ما روشن است، ما میگوئیم تا وقتی سرمایه‌داری هست، فقر هم هست. تا وقتی سرمایه‌داری هست، ظلم هم هست. تا وقتی سرمایه‌داری هست، ارتش و پلیس و زندان و سرکوب هم هست. و بالا... خرد تا وقتی سرمایه‌داری هست، بیماری، دزدی، فحشاء و فساد و خیلی چیزهای دیگر هم هست. نازه از همه اینها گذشته در ایران، تا وقتی سرمایه‌داری هست، وابستگی هم هست و ما همیشه محتاج به خارج هستیم و سرمایه‌داران بزرگ دنیا، یعنی همان امپریالیستها منابع ما را غارت میکنند. و زحمتکشان ما را هم استثمار میکنند و نمی‌گذارند ما آزاد و مستقل باشیم. باین جهت است که ما میگوئیم که جامعه را باید از اساس تغییر داد و جامعه‌ای ساخت که در آن سرمایه‌داری حاکم نباشد.

جامعه‌ای که ما خواهان آن هستیم جامعه سوسیالیستی است. یعنی ما میخواهیم بجای سرمایه‌داری سوسیالیسم باشد. در جامعه سوسیالیستی دیگر این سرمایه‌داران و ثروتمندان نیستند که حکومت میکنند، بلکه کارگران و زحمتکشان حکومت را در دست دارند. در جامعه سوسیالیستی همه براداران کار میکنند و هرکس باندازه کارش بهره‌میرد و کسی گرسنه و بیگار نمی‌ماند.

در جامعه سوسیالیستی، همه از رفاه، بهداشت، فرهنگ و مکن استفاده میکنند. در جامعه سوسیالیستی همه کارکنان جامعه، از آزادی کامل برخوردارند. هر عقیده و مذهب و مرامی آزاد است و هیچکس را بخاطر عقیده‌اش اذیت نمیکنند و مورد آزار قرار نمیدهند و سرکوب نمیکنند. در جامعه سوسیالیستی از دزدی و فساد و فحشاء خبری نیست، چسبون علت همه اینها فقر است. و وقتی دیگر کسی فقیر نباشد و آموزش هم برای همه رایگان باشد، دلیلی ندارد که به این نوع کارها رو بیاورد. چون برای همه کس امکان کار شرافتمندانه وجود دارد.

وقتی جامعه سوسیالیستی پیشرفت زیاد کرد، وقتی دیگر شعور و آگاهی مردم بالا رفت، وقتی سیستم و کشاورزی پیشرفت کرد و دیگر استثمار رگر و استثمار شونده وجود نداشت، وقتی جامعه آتقد جلو رفت و پیشرفت کرد که هرکس به اندازه توانائی اش کار کند و بقدر احتیاجش از تولیدات جامعه استفاده کند، آن وقت ما می‌گوئیم که جامعه اشتراکی یا کمونیستی است. البته ما می‌دانیم که ساختن جامعه سوسیالیستی و جامعه بی طبقه کمونیستی، که در آن همه با هم برابر باشند و از ظلم و جور و فساد و غیبه خبری نباشد کار امروز و فردا نیست. احتیاج به زحمت و کار زیاد دارد و به سه خصوصیات آج دارد که زحمتکشان و بخصوص کارگران که سازنده جامعه سوسیالیستی هستند، خوب آنرا بشناسند. در مرحله کنونی که دشمن اصلی خلق ما امپریالیسم و وابستگی مزدور داخلی آن میباشد برنامه حداقل ما قطع کامل سلطه امپریالیسم در زمینه‌های نظامی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی، ممانده سرمایه‌های خارجی و وابسته، لغو قراردادهای ظالمانه با کشورهای امپریالیستی و سلطه طلب، محو کامل بقایای فئودالیسم و سپردن زمین به دهقانانی که روی آن کار میکنند، سرکوت کارگران در اداره و نظارت موسسات تولیدی، سرکوت کامل ضد انقلاب و بقایای آن، برسمیت شناختن حقوق ملی خلقهای کرد، ترک، عرب، بلوچ و ترکمن، تامین حقوق و آزادیهای اساسی زحمتکشان مانند حق کار، حق اعتصاب، آزادی احزاب، سندیکاها و اتحادیه‌ها، نظرات، آزادی بیان و قلم و عقیده و مذهب است که پیروزی این برنامه مستلزم استقرار جمهوری دموکراتیک لبق، یعنی حکومت کارگران، دهقانان و دیگر اقشار ق به رهبری طبقه کارگر است.

اما دولت کنونی نه تنها این کارها را نمیکند، بلکه ما را که از منافع زحمتکشان دفاع میکنیم، متهم به اغلاگری میکند و بما میگوید اغلاگر، به کمونیستها تهمت میزند و اجازه نمی‌دهد تا از خود دفاع کنند. ولی ما کمونیستها انطور نیستیم که مخالفین ما می‌گویند و آنهاشیکه آگاهی کافی ندارند باور میکنند. مخالفین ما به ناروا می‌گویند که کمونیستها میخواهند زنان را اشتراکی کنند و فساد را رواج دهند. ایمن یک تهمت نادرست است. بکن کمونیستها میخواهند هر گونه فساد را از بین ببرند و زنان هم با مردان مساوی باشند. آنها می‌گویند کمونیستها می‌خواهند با خدا محاربه کنند. در مورثیکه مسئله این نیست و همانطور که گفتیم کمونیستها خواهان آزادی عقیده و مرام و مذهب برای همه هستیم. بعضی‌ها می‌گویند درست است که کمونیستها رفاه مادی، نان، مسکن، کار و غیره را برای همه فراهم میکنند، اما در جامعه کمونیستی از معنویات خبری نیست. این هم نادرست است. در جامعه کمونیستی معنویات از همه بیشتر است. فرهنگ و آموزش برای همه رایگان است. هنر و ادبیات و دیگر عوامل معنوی از همه بیشتر رشد میکند. بعضی‌ها می‌گویند کمونیستها وابسته به کشورهای خارجی و بخصوص وابسته به روسیه هستند. این هم درست نیست. کمونیستها واقعی فقط به زحمتکشان و بخصوص کارگران تکیه دارند.

اگر از این آدمها بپرسید دلیل و مدرکشان چیست حزبی را مثال می‌آورند که به شوروی وابسته بود و می‌گویند این حزب میخواهد ایران را به شوروی وابسته کند. ولی این مطلب ربطی به کمونیستها واقعی ندارد. کمونیستها واقعی با هر نوع وابستگی، بهر کس که باشد، چه آمریکا و چه روسیه و چه هر دولت دیگری، کاملاً و جدلاً مخالفند. کمونیستها واقعی با هر کس که بخواد ایران را وابسته کند مخالفند و با او مبارزه میکنند. یکی از دلایلی که کمونیستها دشمن سرخسخت شاه بودند و شاه جانش هم البته دشمن کمونیستها بود، همین بود که شاه، ایران را به آمریکا وابسته کرده بود. بطور کلی دو دسته افراد این اتهام‌ها را به کمونیستها می‌زنند. یک دسته آنها هستند که منافعشان، با خواستههای کمونیستها، به خاطر می‌افتد یعنی مفتخورها و سرمایه‌داران و عمال آنها و دسته دیگری آنهاشیکه آگاهی ندارند و کمونیسم را نمی‌شناسند و هرچه دشمنان کمونیسم گفته، آنها هم باور کرده‌اند و تکرار میکنند.

بیش از این فرصت نیست که در مورد نظرات خود - ما توضیح دهیم و اگر فرصت دیگری بدست آید دنباله برنامه‌هایمان را توضیح خواهیم داد. به امید پیروزی نهائی کارگران، دهقانان، زحمتکشان و خلقهای قهرمان ایران

قسمتهایی از پیام تلویزیونی رفیق آدادپوش

در جریان انتخابات مجلس خبرگان

درد به شهدای راه آزادی، کارگران، زحمتکشان و خلقهای قهرمان ایران... تلویزیون بما ۵ دقیقه وقت داده تا برای اولین و آخرین بار نظراتمان را بیان کنیم. آیا بنظر شما فقط طرفه دقیقه میتوان نقطه نظرها و برنامه‌های خود را توضیح داد؟... آیا رادیو تلویزیون بطور مساوی و به اندازه کافی در اختیار گروهها، سازمانها قرار گرفته است تا عقاید و نظرات خود را برای مردم توضیح دهند؟ ویا فقط در انحصار گروه خاصی قرار داشته است؟ برای نظرها به اینکه انتخابات آزاد است و امکان تبلیغاتی برای همه یکسان، در آخرین دقایق نزدیک به زمان انتخابات، ۵ دقیقه وقت در اختیار کاندیدها قرار داده و گفته‌اند نظرات را بیان کنید. مسئولین امر از مدتها قبل ذهن مردم را نسبت به کمونیستها و نیروهای انقلابی مسموم کرده‌اند. آیا با توجه به این مسئله، این انتخاباتی آزاد است؟ با توجه به اهمیتی که انتخابات و تدوین قانون اساسی دارد، آیا شما مردم مبارز با نظرات و عقاید گروههای مختلف به اندازه کافی آشنا شده‌اید که بنسب آنها رای دهید؟ آیا در شرایطی که عناصر شناخته شده

ای که مردم ناآگاه را تحریک میکنند تا اعلامیه‌ها و تراکت‌های انتخاباتی کمونیستها و نیروهای انقلابی را پاره کنند و کسانیکه این تراکت‌ها را پخش میکنند به وسیله کمیته‌ها دستگیر و کتک میخورند. آزادی انتخابی بانی میتواند معنایی داشته باشد؟ نه به نظر ما این انتخاب در شرایطی کاملاً غیر دموکراتیک برگزار میشود. اما این شیوه‌های هیئت حاکمه از سیاست‌هایی که تا کنون در پیش گرفته است جدا نیست. حمله بسینه اجناعات و میتینگها بوسیله عده‌ای چماق بدست و عناصر ارتجاعی با سکوت دولت مورد تأیید قرار گرفته و روزنامه‌هایی که حقایق را بازگو میکنند شدیداً تحت فشار قرار گرفته‌اند به کتاب فروشی‌ها و روزنامه فروشها حمله میکنند و روزنامه و کتابها را پاره پاره کرده و به آتش میکنند، مسئولین امر در این مورد چه کرده‌اند؟ هیچ!

این است معنی آزادی؟ آیا کارگران حق اعتصاب دارند؟ با اعتصابات آنان با یورش و تهاجم افراد مسلح روبرو میشود؟ اگر حسن اعتصاب دارند چرا کارگران پارس میهن را به مسلسل میبندند؟ نیروی ویژه که همان اداره حفاظت سابق است و کارگران بخوبی آن را میشناسند در کارخانه‌ها برای چه تشکیل شده؟ برای حمایت از کارفرما تا کارگران را سرکوب کنند.

آیا کارگران حق نظرات برای رسیدن به حقوق حقه خود را دارند؟ اگر دارند پس چرا اجتمع کنار - گران بیگار امضا را به گلوله بستند و ناصرتویقیان را شهید کردند؟ چرا دولت در برابر این فاجعه سکوت کرد؟

دهقانان چطور؟ شوراها ی دهقانی محدود و سرکوب میشوند، چرا نباید دهقانان زمینی را صاحب شوند که خود روی آن کار میکنند؟ چرا دهقانان باید توسط بانک‌ها و پیش‌خرها مورد ستم قرار گیرند؟

دولت با خلقها چه کرده است؟ خلق کرد و ترکمن در اولین بهار به اصطلاح آزادی سر - کوب شدند و دولت در مدتهاست که شهرهای کردستان را زیر حکومت نظامی درآورد. آیا این است معنای آزادی و حاصل قیام یکسال و نیمه خلق مبارز ایران؟

می بینیم که دولت نه تنها به خواست اکثریت مردم ما پاسخ نداده است بلکه در مقابل به بازسازی ارتش، ژاندارمری و شهربانی توسط فرماندهان سابق دست زده، رکن گوی و سازمانهای اطلاعاتی را که عملاً کار ساواک را انجام میدهند دوباره بازسازی کرده و نیروهای انقلابی را دستگیر و شکنجه میکند. چادولت بجای دفاع از منافع اکثریت تنها به فکر اقلیتی از سرمایه‌داران و خانها و فئودالها است؟ چون دولت حامی سرمایه‌داران حتی سرمایه‌داران بیگانه پرست میباشد و قصد ندارد و نمی‌خواهد دست امپریالیستها را از ایران کوتاه کند.

اما ما خود چه می‌گوئیم؟ ما میگوئیم باید دست دشمن اصلی ما یعنی امپریالیستها از ایران کوتاه شود. ما می‌گوئیم باید از نظر فرهنگی، سیاسی، اقتصادی و نظامی از زیر ستم بیگانگان خارج شویم. ما می‌گوئیم: باید سرمایه‌های سرمایه‌داران وابسته را مصادره و ملی کرد و اداره کارخانجات را به شوراها کارگری سپرد.

ما می‌گوئیم، باید زمین‌های اربابی را بین دهقانان تقسیم کرد، باید کلیه دیون کشاورزان را لغو نمود. باید در دهات تمام امکانات رفاهی را بوجود آورد. ما می‌گوئیم باید حقوق خلق کرد، عرب، ترکمن و بلوچ را در چارچوب ایرانی دموکراتیک و آزاد به رسمیت شناخت. ما می‌گوئیم باید حق کار، حق اعتصاب، آزادی احزاب، سندیکاها، اتحادیه‌ها و نظرات، آزادی بیان و قلم و عقیده و مذهب تامین شود. ما می‌گوئیم برای اینکه بتوانیم چنین کارهایی را انجام دهیم باید کارگران و زحمتکشان خود حکومت را در دست بگیرند. وقت من بپایان رسید.